



یادم هست که فقط یک بازی رو تو اون فصل بردیم، اونم تیم صدر جدولی «ندسا» که اتفاقاً بازیکن سربازمی گرفت، گل اون بازی رو من زدم. بعدها با حمید غنی زاده بازیکن تیم «ندسا» در ابومسلم هم تیمی شدم. غنی زاده به من گفت لامصب بعد از اون بازی همه مارو کچل کردن و فرستادن پادگان پست بدیم. سال بعد برگشتم راه آهن و اونجا هم برای جوانان و امید به طور ثابت بازی کردم. همین بازی کردن بایک رده بالاتر اعتماد به نفس زیاد به من داد و روی کیفیت بازییم عجیب تاثیر گذاشت، تویکی از بازی ها خدا بیا مرز رضا احدی که مربی امیدهای استقلال بود فوتبالم رو تماشا کرد و بعدش از سرپرست تیم «بهرام امیری» خواسته بود تا هرطوری شده با من قرارداد ببندن اینهارو بهرام امیری بعد ابرام تعرف کرد و گفت که رضا احدی گفته که بازی مجتبی عجیب منو یاد جوانی های خودم میندازه، با آقا رضا تو ورزشگاه مرغوبکار قرار گذاشتیم